# زخم عمیق تالاب‌ها

مناطق وسیعی از تالاب‌های شناخته‌شده و متنوع جهانی در ایران قرار دارد اما ناخوشی گریبان آن‌ها را گرفته است؛ تغییرات اقلیمی در کنار فقدان مدیریت صحیح و کارآمد و کم‌آبی و خشکسالی باعث شده است تالاب‌های کشور در معرض نابودی قرار گیرند و به کانون‌های بزرگ گردوغبار بدل شوند. «خشک شدن آن‌ها به‌ازدست رفتن آب‌های زیرزمینی هم منجر شده که اولین آسیب آن متوجه جوامع محلی است و در بلندمدت حتی می‌تواند مانعی در برابر توسعه باشد. کشور ما نزدیک به ۲۵۰ پیکره آبی دارد که نسبت به ابعاد آن‌ها در دره‌های مختلف از جمله برکه، دریاچه، دریاچه متوسط و بزرگ دسته‌بندی می‌شوند که به همراه زیستگاه‌های آبی کنار ساحلی درمجموع ۴ میلیون هکتار از اراضی کشور را به خود اختصاص داده‌اند. بسیاری از خدمات تالاب‌ها متوجه خود زیستگاه‌ها نمی‌شود، اما این خدمات باعث ثبات در منطقه می‌شود و به معنای واقعی کلمه تنوع زیستی و تنوع ژنتیکی کشور را تضمین می‌کند. همچنین تالاب‌ها باعث تغذیه سفره‌های زیرزمینی و ترسیب کربن می‌شوند که از اهمیت ویژه‌ای در مدیریت اکوسیستم‌ها برخوردار است.» گوینده این عبارت افشین دانه‌کار، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران است که تأکید می‌کند، برنامه‌های مختلف دو دهه گذشته تأثیرات اندکی بر وضعیت تالاب‌ها گذاشته است. در این میان قانون حفاظت، احیا و مدیریت تالاب‌های کشور نقش سازمان محیط زیست را پررنگ نشان می‌دهد این در حالی است که اگر انسجامی در نظام بهره‌برداری نداشته باشیم و دستگاه بهره‌بردار فاقد عملکرد مثبت باشد، به طور قطع تاب‌آوری تالاب‌ها کاهش پیدا می‌کند.

معمولا ساخت و ساز در اطراف تالاب‌ها و روی رودخانه‌ها که شریان اصلی تالاب‌ها هستند، بخشی از دلایل بحرانی شدن وضعیت تالاب‌ها در کشور است. ورود فاضلاب شهری و پسماند کارخانه‌ها به آب تالاب‌ها، قطعه قطعه کردن تالاب‌ها، آتش زدن خوشه‌های نفتی در تالاب‌ها و همچنین استفاده غیرقانونی از آب آن‌ها برای مصارف کشاورزی در کنار نبود برنامه‌های مؤثر برای احیا از دیگر دلایل نابودی تالاب‌ها عنوان شده‌اند. کشور ما غیرمنطبق با زیست‌بوم منطقه، افزایش برداشت آب برای مصارف غیرکشاورزی و چرای بی‌رویه، سطح آب برخی تالاب‌ها را به شدت کاهش داده و پیش‌بینی شده که در صورت ادامه روند موجود، در آینده نزدیک تالاب‌های دائمی کاملا خشک و یا به تالاب‌های فصلی تبدیل شوند که علاوه بر مسئله محیط زیست، عوارض جدی بهداشتی، اقتصادی و اجتماعی بر مردم منطقه و کشور خواهد داشت. در حوضه آبریز دریای خزر، میزان قابل ملاحظه‌ای از تالاب‌ها برای مقاصد کشاورزی، ساخت مسکن و جایگاه دفن زباله نابود شده‌اند. در حوضه آبریز ما هم عمال مدیریت نامناسب منطقه‌ای از جمله تغییر مسیر، ایجاد تأسیسات جدید و وارد کردن گونه‌های غیربومی، زیان‌های قابل توجهی را به دنبال داشته است.

برخی معتقدند، «مدیریت غلط و تصمیم‌گیری غیرکارشناسی پشت درهای بسته» از عمده‌ترین دلایل بحرانی شدن تالاب‌ها است، موضوعی که پیش‌تر از زبان اسماعیل کهرم در قامت بوم‌شناس و فعال محیط زیست نقل شده است. این فعال محیط زیست با اشاره به تالاب انزلی، وضعیت نگران کننده آن را چنین شرح می‌دهد: «این تالاب وقتی به عضویت کنوانسیون رامسر درآمد، ۲۱ هزار هکتار بود که اکنون مساحت آن به زیر ۹ هزار هکتار رسیده و در حال خشک شدن است. مشکل این تالاب، آلودگی روزافزون آب آن است، چراکه تقریبا فاضلاب تمام خانه‌های مسکونی و اغلب کارخانه‌ها و کارگاه‌های صنعتی واقع در اطراف تالاب به درون آن یا به داخل رودخانه‌هایی که به تالاب می‌ریزند سرازیر می‌شوند. از دیگر دلایلی که موجب تهدید تالاب انزلی شده، افزایش سطح رسوبات است که باعث کاهش عمق این تالاب شده و همچنین تغییر کاربری اراضی حاشیه تالاب است. در همین حال فاضلاب گوهررود و زرجوب بعد از ریخته شدن به رودخانه پیربازار، راهی تالاب انزلی می‌شود که وضعیت آلودگی مرداب انزلی را تشدید می‌کند.»

کهرم به هورالعظیم هم اشاره دارد، تالاب بزرگی که بخش زیادی از آن در استان خوزستان واقع شده و با اجرای پروژه حفر ۳۲ چاه نفت دیگر در معرض خشکی کامل قرار دارد و این رویداد بارها توسط فعالان محیط زیست به دلیل پیامدهای آن و تشدید بحران ریزگردهای آبی استان خوزستان به دولت و نهادهای مسئول تذکر داده شده است. از سوی دیگر، ۲۵ تالاب اصلی ایران در شرایط بحرانی و ۲۲۶ تالاب نیز در شرایط حساس قرار دارند. تالاب میقان در استان مرکزی نیز یکی از همین تالاب‌هاست. روستاهای اطراف این تالاب به دلیل پساب‌های یک تصفیه‌خانه و شرکت املاح معدنی با مشکلات بسیاری مواجه‌اند.

## نقش انسان در تخریب تالاب‌ها

این فعال محیط زیست در گفت‌وگو با «ایمنا» سرنوشت تلخی را که برای تالاب‌های ایران رقم خورده، انسان‌ساز معرفی کرده و می‌گوید: «آنچه بر سر تالاب‌ها آمده به دست خود ما رقم خورده، یعنی آن‌ها را خشک یا تهدید کرده یا در معرض خشکی قرار داده‌ایم؛ درحالی‌که کنوانسیون رامسر نخستین جنبشی بود که برای حفاظت از تالاب‌ها در حدود ۵۰ سال قبل برگزار و به نام حفظ تالاب‌ها و پرندگان مهاجر ثبت شد.»

اهمیت تالاب‌ها در کنوانسیون رامسر در سال ۱۹۷۱ به رسمیت شناخته شد و در آن برنامه‌ای برای تعهد جهانی به حفاظت از تالاب‌ها شکل گرفت. این کنوانسیون که در شهر رامسر تهیه و توسط ۱۸ کشور شرکت کننده امضا شد، امروزه در دنیا ۱۶۹ عضو دارد و ۲۲۹۳ تالاب را زیر نظر گرفته است.

کشورهای عضو این کنوانسیون متعهد هستند که تالاب‌های مهم خود را شناسایی کرده، برنامه‌های اصلاح و مدیریتی برای حفاظت، نگهداری و استفاده درست از این تالاب‌ها را طراحی و پیاده‌سازی کنند. آن‌ها همچنین تعهد داده‌اند که به‌با کارگیری مدیریت مناسب، به‌افزایش جمعیت پرندگان آبزی در تالاب‌های مورد نظر خود کمک کرده و امکانات لازم برای حفاظت از تالاب‌ها و پرندگان آبزی در حوزه‌های تالابی را فراهم آورند.

از میان تالاب‌های ایران، ۲۵ مورد در این کنوانسیون به ثبت رسیده‌اند و جزو تالاب‌های بین‌المللی به حساب می‌آیند. از این میان ۶ مجموعه تالاب انزلی، شادگان، شورگل، دورگه‌سنگی، یادگارلو، کمجان، نیریز، هامون دهانه جنوبی و هامون صابری و هیرمند در فهرست تالاب‌های در معرض تهدید مونترو (لیست تالاب‌های در معرض خطر انقراض) قرار دارند.

آرش فرهادی، از دیگر فعالان محیط زیست با «اسماعیل کهرم» اشتراک نظر دارد و از عامل انسانی به‌عنوان مهم‌ترین علت نابودی تالاب‌ها یاد کرده و می‌گوید: «با رصلی خشکی تالاب‌های کشور بر دوش مدیریت نادرست منابع آبی و حوضه‌های آبریز است. تقریبا اختلاف نظری در این زمینه وجود ندارد، این در حالی است که بیشتر بار توسعه اقتصادی را بر دوش منابع طبیعی گذاشته‌ایم و کمتر به سمت مسائل دیگری مانند صنعت و منابع انسانی پیش رفته‌ایم. حتی تأثیر مدیریت نادرست منابع آبی بر روند خشک شدن تالاب‌ها بسیار بیشتر از تأثیر تغییر اقلیم است. البته باید در نظر داشته باشیم که تغییر اقلیم فقط کاهش بارندگی نیست بلکه جابه‌جایی زمان بارش‌ها نیز هست و تأثیر آن باعث شده تا بارش‌ها در زمان نامناسب صورت گیرد.»

این فعال محیط زیست در ادامه تأکید می‌کند: «تغییر الگوهای بارندگی از دیگر تأثیرات تغییر اقلیم است به طوری که تا چند سال پیش بیشتر الگوهای بارشی کشور در فصل زمستان برف بود اما اکنون الگوی بارشی به باران تغییر کرده است. در ایران که کشوری خشک و نیمه‌خشک است، تأثیر باران و برف بر منابع آبی بسیار متفاوت است، در واقع برف یک ذخیره آبی است یعنی آبخوان‌ها، حوضه‌های آبریز و سفره‌های زیرزمینی را به آرامی تغذیه می‌کند اما باران این طور نیست بلکه سریع به روان آب تبدیل و از دسترس خارج می‌شود. بنابراین تغییر اقلیم هم در خشک شدن تالاب‌ها و کاهش منابع آبی تأثیرگذار بوده اما نه به اندازه مدیریت نادرست منابع که سهم عمده‌ای در بروز شرایط کنونی برای تالاب‌های کشور دارد و اگر مدیریت صحیح صورت گیرد به نظر این روند مخرب قابل جبران است.»

او معتقد است، اگر تمام دستگاه‌ها در کنار هم قرار گیرند، قطعا این شرایط قابل مدیریت است. در این زمینه می‌توان به سراغ راهکارها و تجارب طرح‌های بین‌المللی رفت. البته تصدی‌گری دولت در طرح‌های بین‌المللی به شکلی پیش رفته است که این طرح‌ها آن چالاکی و چابکی لازم را از دست می‌دهند و تا انداره زیادی اسیر بوروکراسی دولتی می‌شوند و ساختارشان به دفترستادی دولت بدل می‌شود.

این فعال محیط زیست با انتقاد از مصرف ناپایدار و غیراصولی آب در بخش کشاورزی می‌گوید: «بیشتر بارگذاری منابع آبی کشور مربوط به بخش کشاورزی است یعنی ۸۰ تا ۹۰ درصد منابع آبی ما در این بخش را راندمان پایین صرف می‌شود، اگر بتوان بخش کشاورزی را اصلاح کرد، تا حدود زیادی حقابه تالاب‌ها تأمین می‌شود. فقط باید مدیریت صحیح وجود داشته باشد که در این صورت با همین منابع آبی که در اختیار است می‌توان حقابه‌ها را تأمین کرد.»

## عدم اختصاص حقابه تالاب‌ها و تهدید امنیت غذایی

مطابق اظهارات علی ارواحی، مدیر سابق «طرح حفاظت از تالاب‌های ایران» حقابه‌ها تخصیص داده نمی‌شود. او در گفت‌وگو با «پیام ما» می‌گوید: در چنین شرایطی آبخوان منطقه تخلیه می‌شود؛ چراکه یکی از کارکردهای تالاب‌ها تغذیه سفره‌های آب زیرزمینی است و وقتی تالابی در پایین‌دست خشک می‌شود، یعنی مدیریت آب آن حوضه آبریز اشتباه بوده است. ما بی‌توجه به این نکته می‌بینیم حقابه تالاب‌ها اختصاص داده نمی‌شود و این امر امنیت غذایی را در میان و بلندمدت متأثر خواهد کرد. علاوه بر آن، خشکی تالاب و دریاچه، باعث از بین رفتن تعدیل هوا خواهد شد. برخی از تالاب‌های کشور دائمی هستند و برخی فصلی. اما شاهدایم هستیم که تالاب‌های دائمی تغییر حالت به تالاب فصلی پیدا کرده‌اند و برخی مانند پریشان، بختگان، گاوخونی و کافتر حتی امکان آبگیری فصلی را در برخی سنوات ازدست داده‌اند. وضعیت در تالاب‌های شمالی هم بهتر نیست. پسروی دریاچه خزر را داشته‌ایم و تالاب‌های شمالی هم آسیب بسیاری دیده‌اند. اما دانش سنتی ایرانیان همیشه کمک کرده است که با وجود کشور خشک و نیمه خشک پهنه‌های آبی و تالابی مان را حفظ کنیم، اما شکل توسعه دهه‌های اخیر و بهره‌برداری از منابع است که مشکلات بسیاری ایجاد کرده است. در یک دهه گذشته به استثنای بازه زمانی سال‌های ۹۸-۹۷ که ترسالی بود و تالاب‌های ما جان دوباره گرفت، غالب تالاب‌ها با مشکل تخصیص حقابه و خشکی روبه‌رو بوده‌اند. برای مدیریت تالاب باید تمهیداتی دیده شود که حتی در سال خشک، تمام فشار کمبود بارش به دوش دریاچه و تالاب نیفتاد. وقتی بارش کم می‌شود، اول حقابه تالاب را قطع می‌کنند؛ باید به یک نسبت منطقی صنعت، کشاورزی و تالاب‌ها این کمبود را تحمل کنند. طی سنوات گذشته شاهد عملکرد وزارت نیرو در تخصیص حقابه تالاب‌ها بودیم و حالا قرار است این وزارتخانه متولی احیای تالاب بشود. هرچند این وزارتخانه درباره رژیم هیدرولوژیکی تالاب‌ها صاحب نظر است، اما درباره ویژگی اکولوژیک تالاب‌ها برنامه مشخصی ندارد و پیامد چنین نگاهی در دریاچه ارومیه، مالچ‌پاشی است. از سویی این وزارتخانه در حفاظت از رودخانه‌های زاینده‌رود، کارون، کشف‌رود و بسیاری دیگر از رودهای بزرگ و کوچک عملکرد درستی نداشته و حالا عملکرد بازدارنده‌ای که در اختیار سازمان محیط زیست بود هم قرار است از آن گرفته شود که ریاست سازمان محیط زیست باید پاسخ بدهد که با وجود نقش مهم سازمان، چرا هر روز در حال تضعیف شدن است.»

## چگونه تالاب‌ها را نجات دهیم؟

چگونگی احیای تالاب‌ها، پرسش پرتکرار سالیان اخیر است و معمولا قاطبه کارشناسان در پاسخ به آن می‌گویند: بازسازی و احیای تالاب‌ها نیاز به رویکردی چندوجهی، با تأکید بر بازسازی ساختارهای طبیعی، مدیریت حوضه آبریز، کنترل آلودگی، مشارکت جامعه، همکاری بین‌المللی و استفاده از تجربیات کشورهای دیگر دارد. از جمله طرح‌های موفق در بازسازی تالاب‌های دنیا طرح جامع بازسازی اورگلیدز در ایالات متحده است. این پروژه موفق شده در تالاب مورد نظر کیفیت آب را بهبود ببخشد، زیستگاه‌ها را بازسازی کند و از تنوع زیستی، گونه‌های بومی و پرندگان مهاجر حمایت کند.

گفته می‌شود، نخستین گام در راستای احیای هر تالابی، انجام یک ارزیابی دقیق از وضعیت تالاب برای شناخت علل اصلی کاهش آب آن است. این موضوع ممکن است شامل مسائلی نظیر آلودگی آب، تغییرات در هیدرولوژی، حضور گونه‌های مهاجم، یا اختلال در پوشش گیاهی بومی باشد. درک عمیق از این عوامل برای طراحی استراتژی‌های بازسازی بسیار ضروری است. با توجه به نقش حیاتی آب برای تالاب‌ها، بازسازی وضعیت هیدرولوژیکی طبیعی اغلب باید در مرکز توجه برنامه‌های احیا قرار گیرد. این برنامه‌ها می‌توانند شامل بازگرداندن الگوهای جریان آب طبیعی، برداشتن موانعی که به جریان آب آسیب می‌زنند و یا شارژ مجدد منابع آب زیرزمینی باشند. دومین گام، ارزیابی عملکردهای تالاب، مانند چرخه مواد مغذی، فراهم‌آوری زیستگاه و تصفیه آب است که در تعیین اهداف دقیق برای پروژه کمک کننده است. برای مثال، اگر یک تالاب نقش مهمی در کنترل سیلاب دارد، تلاش ها ممکن است به سمت افزایش ظرفیت ذخیره‌سازی آب در آن سوق داده شوند و یا اگر ارزش یک تالاب به ویژه در حفاظت از پرندگان مهاجر باشد، سیاست‌هایی چون ایجاد مناطق حفاظت شده، جلوگیری از تخریب زیستگاه، بهبود کیفیت آب، حذف گونه‌های مهاجم و برنامه پایش منظم جمعیت پرندگان می‌تواند موردتوجه ویژه قرار بگیرد.

یک جنبه حیاتی دیگر در احیای تالاب‌ها، تنظیم یک برنامه زمانی واقع‌بینانه است. اکوسیستم‌های تالابی در طول سال‌ها یا حتی دهه‌ها تکامل می‌یابند. بنابراین، طرح‌های احیا باید با دیدگاهی بلندمدت برنامه‌ریزی شوند، ضمن آنکه به یاد داشته باشیم بازیابی زیست محیطی یک فرآیند آهسته است، پروژه‌های احیا نباید تنها به دلیل عدم دستیابی به نتایج مطلوب در کوتاه مدت کنار گذاشته شوند. در فرآیند احیای تالاب‌ها، نیاز است که کارشناسان محیط زیست بر روند بازیابی نظارتی دائمی داشته باشند تا بتوانند استراتژی‌ها را بر اساس پیشرفت‌های مشاهده شده تنظیم و بهبود ببخشند. این روش تجربی به آن‌ها کمک می‌کند تا راه‌حل‌هایی که بیشترین تأثیر را دارند شناسایی و در عین حال، سایر روش‌ها را بهینه‌سازی کنند. باید شرایطی فراهم شود که تالاب‌ها بتوانند از طریق فرآیندهای اکولوژیک داخلی خود بهبود یابند. این می‌تواند شامل بازمعرفی گونه‌های بومی و سپس اجازه دادن به آن‌ها برای توسعه و غالب شدن در منطقه باشد. همچنین، لازم است تالاب را در برابر فشارهای آتی مانند تغییرات آب و هوایی و آلودگی محافظت کرد. این ممکن است شامل افزایش تنوع بیولوژیکی، ایجاد مناطق حفاظتی در اطراف تالاب برای کاهش آلودگی روان‌آب یا اجرای اقدامات حفاظتی برای آب منطقه باشد. همچنین اتصال تالاب به مناطق طبیعی اطراف می‌تواند به جابه‌جایی گونه‌ها و تبادل ژنتیکی کمک کند و به افزایش انعطاف‌پذیری و بازیابی اکولوژیکی بیانجامد. احیای تالاب‌هایی که در حال افول هستند، نیازمند درک دقیق از اصول اکولوژیک، صبر، تمایل به عقب‌نشینی و فرصت دادن به طبیعت برای بازسازی ساختار آسیب دیده است.

تالاب‌ها در یک مرحله حساس قرار دارند و با تهدیدهایی روبه‌رو هستند که وجود آن‌ها و منافع فراوانی که ارائه می‌دهند را به خطر می‌اندازد. کشور ما می‌تواند با بهره‌گیری از نمونه‌های بین‌المللی موفق، استفاده از تحقیقات علمی و مشارکت فعال جامعه، مسیری روشن به سوی حفاظت پایدار از تالاب‌ها را ترسیم کند. در این راستا، وظیفه اولیه برعهده دولت‌هاست که با اتخاذ رویکردی شفاف، سیاست‌های محیط زیستی را مطابق با منافع ملی کشور تدوین کنند. این سیاست‌ها باید به گونه‌ای باشند که علاوه بر تأمین نیازهای نسل کنونی و آتی انسان، به ارزش‌های وجودی محیط زیست و حقوق گونه‌های دیگر نیز احترام بگذارند و آن‌ها را در نظر بگیرند.

البته در بسیاری از موارد اقدامات پیش‌بینی شده، حفاظت و حراست از تالاب‌ها را به نتیجه نهایی و مورد نظر نمی‌رساند، همانند طرح‌های انتقال آب که سال گذشته افشین دانه‌کار، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران با هشدار نسبت به مرگ آبی تالاب‌ها در فلات مرکزی ایران گفت: با انتقال آب تنها می‌توان نقش تالاب را به لحاظ آبی و در یک مقطع کوتاه حفظ کرد و به هیچ‌وجه نقش اکولوژیک پیچیده یک تالاب در این ابعاد و با این شکل جبران نخواهد شد. او راه‌حل این مسئله را اختصاص حقابه تالاب‌ها ذکر و تأکید کرد: انتقال آب بین حوضه‌ای این نگرانی را بیشتر می‌کند که روند توسعه را افزایش دهد و در این خصوص ما تنها یک راه‌حل داریم و باید به سمت سازگاری با تغییر اقلیم حرکت کنیم. ما باید به جای انتقال آب به فلات مرکزی به تدریج بارگذاری جمعیت در سواحل کشور و روند انتقال جمعیت به سواحل را در کشور پیش بگیریم و این اقدامات را به شکلی انجام دهیم که تالاب‌های ساحلی از بین نرود. دانه‌کار با اشاره به این که ما باید سعی کنیم تا با آموزش و فرهنگ‌سازی رفتار آبی مردم را نیز تغییر دهیم، خاطرنشان کرد: سازمان حفاظت محیط زیست باید مطابق با مدیریت مشارکتی حرکت کند و دستگاه‌های متولی کشاورزی، الگوی سازگار با محیط زیست و مبتنی بر اقلیم آینده کشور را در دستور کار خود قرار دهند، در غیر این صورت مشکلات جدی‌ای پیش روی ما خواهد بود.

---

**هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی**

**آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی**

**برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۲۲۰۰۳۰۰۲۴۰۱-۱۴۰۲/۱۱/۱۵ به کلاسمان ۱۴۰۲/۱۱۵ هیات اول/دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک خاش تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای عبدالغفور کردی تودذیل فرزند مهراب به ش.ش ۴۲ و کدملی ۳۷۱۹۷۴۸۲۹۴ صادره از خاش در ششدانگ یکباب منزل به مساحت ۷۳۱/۴۶ مترمربع قسمتی از پلاک ثبتی ۱۲۷۷- اصلی واقع در بخش ۴ بلوچستان شهر خاش خیابان بهشتی خریداری مع الواسطه از وراث مالک رسمی آقای محمدرضا یاسینی) محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.**

**تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۱/۲۹**

**تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۲/۱۳ م الف ۵/۱۰**

**مجید جمشیدی فر- رئیس ثبت اسناد و املاک**

==========

**آگهی موضوع ماده ۳ و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی**

**برابر آراء موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی در واحد ثبتی کردکوی تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضیان محرز گردید لذا مشخصات متقاضیان و املاک مورد تقاضا به شرح ذیل به منظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میگردد. در صورتیکه اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان اعتراضی داشته باشند، می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماده اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد و املاک محل تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. صدور سند مالکیت مانع مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود.**

**پلاک ۲- اصلی اراضی کردکوی**

**۱) خانم مرضیه لیاقی فرزند حسینعلی به شماره شناسنامه ۷۵ صادره از کردکوی و شماره ملي ۲۲۴۹۱۴۷۷۸۷ در ششدانگ یک قطعه زمین به مساحت ۳۶۵,۵۰ مترمربع که مقدار ۱۰۰ سهم از ۸۶۴ سهم ششدانگ عرصه وقف عام است قسمتی از پلاک ۰ فرعی از ۲ اصلی واقع در بخش ۲ حوزه ثبت ملک کردکوی خریداری شده از مالک رسمی آقای قدرعلی مازندرانی طبق رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۰۲۰۰۰۳۲۵ مورخ ۱۴۰۳/۱/۱۹ کلاسه پرونده ۱۴۰۲۱۱۴۴۱۲۰۰۲۰۰۰۳۰۷**

**۲) آقای مهدی فندرسکی فرزند قربانعلی به شماره شناسنامه ۳ صادره از کردکوی و شماره ملي ۲۲۴۹۴۲۶۵۰۳ در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۷۵۷۲,۷۱ مترمربع که مقدار ۱۰۰ سهم مشاع از ۸۶۴ سهم ششدانگ عرصه وقف عام است قسمتی از پلاک ۰ فرعی از ۲ اصلی واقع در بخش ۲ حوزه ثبت ملک کردکوی خریداری شده از مالک رسمی آوراث مرحوم عبدالکریم زمانی طبق رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۰۲۰۰۰۳۴۱ مورخ ۱۴۰۳/۱/۲۰ کلاسه پرونده ۱۴۰۲۱۱۴۴۱۲۰۰۲۰۰۰۷۱۱**

**۳) آقای ابوطالب کیانی فرزند توفیق به شماره شناسنامه --- صادره از کردکوی و شماره ملي ۲۲۴۰۰۲۵۹۳۱ در ششدانگ یک قطعه زمین به مساحت ۲۹۹,۷۵ مترمربع که مقدار ۱۰۰ سهم مشاع از ۸۶۴ سهم ششدانگ عرصه وقف عام است قسمتی از پلاک ۰ فرعی از ۲ اصلی واقع در بخش ۲ حوزه ثبت ملک کردکوی خریداری شده از مالک رسمی آقای محمد کیاء طبق رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۰۲۰۰۰۳۲۳ مورخ ۱۴۰۳/۱/۱۹ کلاسه پرونده ۱۴۰۲۱۱۴۴۱۲۰۰۲۰۰۰۷۵۱**

**پلاک ۵۳- اصلی اراضی روستای گرجی محله**

**۴) آقای سبزعلی جعفرپور زینلی فرزند علی اصغر به شماره شناسنامه ۴ صادره از کردکوی و شماره ملي ۲۲۴۹۳۱۵۹۲۲ در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۱۱۱۲۵,۸۲ مترمربع قسمتی از پلاک ۵۳- اصلی واقع در بخش ۲ حوزه ثبت ملک کردکوی خریداری شده از مالک رسمی آقای نورعلی جعفرپور زینلی طبق رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۰۲۰۰۰۳۲۷ مورخ ۱۴۰۳/۱/۲۰ کلاسه پرونده ۱۴۰۲۱۱۴۴۱۲۰۰۲۰۰۰۷۱۰**

**پلاک ۵۵- اصلی اراضی روستای مفیدآباد**

**۵) آقای تقی قاسمی مفیدآبادی فرزند محمدجعفر به شماره شناسنامه ۳۱۷ صادره از کردکوی و شماره ملي ۲۲۴۸۷۵۰۸۱۱ در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۶۰۸۰ مترمربع که مقدار یک دانگ و یک سوم دانگ مشاع از ششدانگ عرصه وقف عام است قسمتی از پلاک ۰ فرعی از ۵۵- اصلی واقع در بخش ۲ حوزه ثبت ملک کردکوی خریداری شده از مالک رسمی آقایان محمدجعفر و رمضانعلی و نازخانم و کشور همگی شهرت قاسمی و مبین رمضانی طبق رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۰۲۰۰۰۳۴۳ مورخ ۱۴۰۳/۱/۲۰ کلاسه پرونده ۱۴۰۲۱۱۴۴۱۲۰۰۲۰۰۰۷۳۷**

**تاریخ انتشار نوبت اول: سه شنبه ۱۴۰۳,۰۱,۲۸**

**تاریخ انتشار نوبت دوم: پنجشنبه ۱۴۰۳,۰۲,۱۳**

**م.الف: ۱۵**

**علی اصغر غریب شیرنگی- سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان کردکوی**

==========

**آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی بندرترکمن:**

**۱- کلاسه شماره ۱۴۰۲۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۰۷۴ مورد تقاضای آقای داودغزالی فرزند قربانمحمد به شماره ملی ۲۲۳۹۵۷۵۶۳۸ نسبت به شش دانگ عرصه یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۴۰۰,۷۰ مترمربع قسمتی از پلاک ۱۱۴۲ فرعی از ۱۰۹۳ اصلی بخش ۴ به مالکیت اقای قربان کرواقع در بندرترکمن خیابان ساحل ۴۵ بخش ۴ حوزه ثبت ملک بندرترکمن.**

**۲- کلاسه شماره ۱۴۰۲۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۳۸۷ مورد تقاضای آقای نبی پاویز فرزند مرون به شماره ملی ۲۲۳۹۸۲۸۲۴۲ نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۱۲۳,۶۰ مترمربع قسمتی از پلاک ۷۲۴۷ فرعی از ۱ اصلی به مالکیت رسمی اقای امان پاویز واقع در بندرترکمن خیابان ساحل ۱۰ بخش ۳ حوزه ثبت ملک بندرترکمن.**

**۳- کلاسه شماره ۱۴۰۲۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۳۷۱ مورد تقاضای آقای نادرنوریانی فرزند بهرام دوردی به شماره ملی ۲۲۳۹۷۷۴۸۰۰ نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۱۲۴ مترمربع قسمتی از پلاک ۲۸۸۷ فرعی از ۱ اصلی به مالکیت رسمی اقای بهرام دوردی نوریانی واقع در بندرترکمن خیابان شهید بهشتی جنوب جایگاه سی ان جی بخش ۳ حوزه ثبت ملک بندرترکمن.**

**۴- کلاسه شماره ۱۴۰۲۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۴۰۹ مورد تقاضای آقای عبدالغفور بغیازی فرزند حالی به شماره ملی ۲۲۳۹۵۳۲۷۳۴ در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۲۳۴,۴۰ مترمربع قسمتی از پلاک ۱۳۱۶ فرعی از ۱ اصلی بخش ۳ به مالکیت رسمی خانم بایرام بی بی غیاثی واقع در بندرترکمن خیابان ساحل ۱۱ برکعلی ۱۱ بخش ۳ حوزه ثبت ملک بندرترکمن.**

**۵- کلاسه شماره ۱۴۰۲۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۴۵۱ مورد تقاضای خانم گلنازگری فرزند تاشلی به شماره ملی ۲۲۳۰۱۹۴۱۷۸ در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۱۷۱ مترمربع قسمتی از پلاک ۵۵۲۸ فرعی از ۱ اصلی به مالکیت رسمی اقای آی چارق چالاک واقع در بندرترکمن خیابان ساحل ۲۵ بخش ۳ حوزه ثبت ملک بندرترکمن.**

**۶- کلاسه شماره ۱۴۰۲۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۴۰۷ مورد تقاضای آقای قربانقلی پورقاز فرزند قربان محمد به شماره ملی ۲۲۳۹۵۱۴۲۶۴ در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۲۶۷ مترمربع قسمتی از پلاک ۱۳۱۶ فرعی از ۱ اصلی به مالکیت رسمی خانم بایرام بی بی غیاثی واقع در بندرترکمن خیابان ساحل ۱۱ برکعلی ۱۱ بخش ۳ حوزه ثبت ملک بندرترکمن.**

**۷- کلاسه شماره ۱۴۰۲۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۴۸۷ مورد تقاضای آقای عبدالجبار بائی فرزند عبدالرحمان به شماره ملی ۲۲۳۹۸۳۳۴۵۹ در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۱۳۳,۹۵ مترمربع قسمتی از پلاک ۶۱۶۵ فرعی از ۱ اصلی به مالکیت رسمی اقای عبدالرحمان بائی واقع در بندرترکمن خیابان پاسداران ۶ بخش ۳ حوزه ثبت ملک بندرترکمن.**

**۸- کلاسه شماره ۱۴۰۲۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۲۰۸ مورد تقاضای خانم خدیجه آرخی فرزند ایشان بردی به شماره ملی ۲۲۳۰۰۷۸۱۶۱ در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۲۱۰ مترمربع قسمتی از پلاک ۹۷۳ فرعی از ۱ اصلی بخش ۳ به مالکیت رسمی اقای رجب محمدادای واقع در بندرترکمن انتهای ساحل ۱۶ حنیف ۱۰ بخش ۳ حوزه ثبت ملک بندرترکمن.**

**۹- کلاسه شماره ۱۴۰۱۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۳۱۱ مورد تقاضای آقای اسماعیل حسینی قره قاشلی فرزند قربان دوردی به شماره ملی ۲۲۳۰۰۰۵۱۷۰ مبنی بر صدور سند مشاعی یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۴۰۰۲ مترمربع مشاع قسمتی از ششدانگ پلاک ۵۸۲ فرعی از ۸ اصلی به مالکیت رسمی اقای نورقلیچ میرابی واقع در اراضی مزروعی قره قاشلی بخش ۵ حوزه ثبت ملک بندرترکمن.**

**۱۰- کلاسه شماره ۱۴۰۲۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۱۸۱ مورد تقاضای آقای فرشید یمودی فرزند موسی به شماره ملی ۲۲۳۹۵۹۹۱۲۱ نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۴۵۹۸,۱۳ مترمربع قسمتی از پلاک ۲۷۵ اصلی بخش ۲ به مالکیت رسمی اقای سالاریمودی واقع در بندرترکمن اراضی مزروعی انارمرز بخش ۲ حوزه ثبت ملک بندرترکمن.**

**۱۱- کلاسه شماره